

فلسفه تفکر امام خمینی

(مصاحبه با آقای حسان موازینی، استاد دانشگاه سوریه)

حضور: ظاهراً شما در فرانسه با امام خمینی آشنا شدید. در این باره توضیح بفرمایید.

استاد حسان موازینی: در دورانی که من در فرانسه تدریس می‌کردم همه رسانه‌ها اعم از روزنامه‌ها و تلویزیون و غیره خبر از آمدن امام خمینی به فرانسه دادند. در همان نگاه اول امام را فردی آرام و با ثبات یافتم که لبخند آرمش بخشش لحظه‌ای محو نمی‌شد. نگاهش ژرفای اشیاء را می‌شکافت و پیش می‌رفت. تحلیلگران سیاسی و اجتماعی با مشاهده ظاهر آرام امام از اینکه چنین شخصی بتواند آغازگر سلسله تحولاتی در ایران باشد راضی و خوشحال بودند. امام از دیدگاه آنها شخصیتی منعطف و ساده داشت. زیرا روی زمین می‌نشست، ساده می‌پوشید، ساده می‌زیست و از شهرت کناره می‌گرفت. اما افسوس که آنها به روح بزرگ و تفکر عمیقی که در پس این سادگی نهفته بود پی نبرده بودند. در آن زمان مطبوعات با صاحب‌خانه‌ای که امام در آن اقامت داشت مصاحبه کردند. این خانم صاحب‌خانه می‌گفت هرگز گمان نمی‌کردم شخصیت با ثبات و آرامی مثل ایشان بتواند یکی از حساسترین انقلابهای تاریخ را به ثمر برساند.

حضور: چطور شد که به محل سکونت امام رفتید؟

استاد موازینی: در ابتدا من فقط خبر ورود امام را به فرانسه شنیده بودم و هیچ شناختی از ایشان نداشتم. تنها از طریق روزنامه و تلویزیون نسبت به ایشان اطلاعاتی پیدا کردم. بعداً به صورت

۱۶۱ / شماره شصت و پنج

کاملاً تصادفی از مقابل محل اقامت امام عبور کردم و به تابلویی برخوردیم که روی آن نوشته بود این روستا و خانه محل سکونت امام خمینی است. شخصیت امام هر کسی را به فکر فرو می‌برد. من نیز از جمله کسانی بودم که آشنایی با امام را غنیمت می‌شمردم، چرا که او از بزرگان عالی مرتبه عصر ما بود. البته بیشتر شناخت من از طریق آثار ایشان مانند سخنرانیها، کتاب اسرار الصلاة، نامه به گورباچف و غیره بود.

حضور: در باره نامه حضرت امام به گورباچف چه دیدگاهی دارید؟

استاد موازینی: در این نامه امام همچون تحلیل‌گری پخته و با تجربه گورباچف را اولاً به عنوان فردی سیاستمدار و بعد فردی اهل روسیه و بالاخره کسی که سیاست ستیزه‌جویی با آمریکا در پیش گرفته است مورد خطاب قرار می‌دهد. اساساً ایده فرستادن نامه به رئیس‌جمهوری مانند شوروی (سابق) ابتکار عمل می‌خواهد که امام از آن برخوردار بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اضمحلال کاخ کمونیسم برای امام قابل پیش‌بینی بود. چرا که این مکتب با فطرت آدمی و هستی کاملاً ضدیت داشت. و هر آنچه بانگ عناد با فطرت را سر دهد محکوم به نابودی است. اشتراکی زیستن بر خلاف طبیعت است. آفرینش از سنتهای لایتغیر الهی است. هر قانون و مکتبی که در مقابل سنت الهی قرار گیرد قطعاً دیر یا زود محکوم به نابودی است.

حضور: و در باره سر الصلاة؟

استاد موازینی: این کتاب انسان را به سفری در اعماق روح و ضمیر فرا می‌خواند و با مفاهیم عمیق عرفانی آشنا می‌سازد.

حضور: تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی را در میان مسلمانان چگونه دیدید؟

استاد موازینی: با تشکیل دولت اسلامی در ایران احساس کردم خون در رگها شریان پیدا کرد و هر دم می‌جوشد. من قبل از هر چیز یک مسلمانم، نه سنی یا شیعه. پس به عنوان یک مسلمان به



□ در همان نگاه اول، امام را انسانی آرام و با ثبات یافتیم که نگاهش ژرفای اشیاء را می‌شکافت و پیش می‌رفت

□ کتاب اسرار الصلاة، انسان را به سفری در اعماق روح و ضمیر فرامی‌خواند و با مفاهیم عمیق عرفانی آشنا می‌سازد

این انقلاب و دولت افتخار می‌کنم. درست مثل وقتی که رشادتهای الجزایریها و عمر مختار را در گیر و دار مرگ انسانیت به یاد می‌آورم. خوشحالم که مسلمانم، اما مسلمانی با تدبیر و نیرومند باید بود. چرا که مؤمن کیاستمند خیلی بهتر از مسلمان ضعیف و زیر دست است. به هر حال خداوند به امام خمینی بصیرت و روشن بینی عطا کرد که در سایه آن ایشان توانست عزت و کرامت از دست رفته مسلمانان را احیا کند و بسط دهد. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را باید اضافه کنم فلسفه امام نه فقط مسلمانان بلکه تمام انسانها را مخاطب قرار می‌دهد. امام با مردم زندگی می‌کرد و آنها را همان‌طوری که هستند قبول داشت.

حضور: از مهمترین اصولی که عزت و کرامت مسلمانان را توسعه می‌دهد حفظ اتحاد است که امام خمینی، هم به آن تأکید داشتند و هم برای آن تلاش بسیار کردند. شما وضع اتحاد میان مسلمانان را امروزه چگونه می‌بینید؟
استاد موازینی: اتحاد کشورهای اسلامی به عنوان تاکتیکی راهبردی شناخته شده است اما

هنوز به صورت اصلی استراتژیک در نیامده است. اکنون شاهد چند دستگی بین کشورهای اسلامی هستیم. ما باید در اصول تربیت خود و کودکان خود تجدید نظر کنیم و کاربردی تر پیش برویم.

نکته دیگری که بر آن تأکید دارم اصالت هر فرد است، چرا که انسانهای با اصالت وجوه مشترک زیادی برای رسیدن به وحدت دارند. اصالت مندی می تواند ما را به وحدت برساند. انسان وقتی به ضرورت اتحاد پی برد آن را به عنوان مصلحت بر می گزیند. مصلحت آن است که با هم زندگی کنیم و خود را جدای از هم ندانیم تا نیرومند شویم. اتحاد دولتها دروغ بزرگی است. درست است که دولت نقش مهمی دارد ولی قدرت اصلی در دست مردم است. موجودیت مسئولان امری موقتی است، هر قدر هم که قدرتمند باشند. وقتی مردم به ارزش و ضرورت اتحاد پی ببرند به سویس سوق داده می شوند چون هیچکس ضعف و زبونی را نمی پسندد. در وحدت و همبستگی، نیرومندی و قدرت نهفته است و نیز رستگاری و رضایتمندی و زندگی با عزت.

البته نظر من این است که ما زندگی را به عسل فروخته ایم. زندگی برای هر فرد مسئولیت آور است. ما باید اول فضای اطرافمان را پاکیزه کنیم و بعد به سراغ سایر نقاط دنیا برویم. ما، چه تعریفی از وحدت میان خود داریم؟ ما حتی در باره یکدیگر چیز زیادی نمی دانیم. سخنرانی و تشکیل مراکز فرهنگی امری نیکو است ولی مهمتر از آن این است که به انسانها یاد دهیم چگونه مورد احترام باشند و به طرف خطا گام برندارند. البته نقش تبلیغ در این میان بسیار مهم است. من به عنوان فردی مرتبط با رسانه ها از تکنولوژیهای غرب که برای استفاده علیه ملت ما طراحی شده است علیه آنان استفاده می کنم. شاعری فرانسوی می گوید بهره و لذت دو بعد دارد. اگر انسان دغلكاری مرا فریب دهد و به من بخندد من نیز به وسیله ابزار و وسایلی که ساخته دست خود اوست به او می خندم.

مسئله دیگر دوری جستن از تبلیغ مستقیم و بی واسطه است. مثلاً نباید به کسی بگوییم اگر عمل بدی انجام بدهی خداوند تو را در آتش غضب خود خواهد سوزاند. بلکه باید به او بفهمانیم خداوند تو را دوست دارد و به تو عقلی عطا کرده است که می توانی خود راه درست را تشخیص



□ خداوند به امام خمینی بصیرت و روشن بینی عطا فرموده است که در سایه آن امام توانست عزت و کرامت از دست رفته مسلمانان را احیاء کند و بسط دهد

□ در وحدت و همبستگی، نیرومندی و قدرت نهفته است و نیز رستگاری و رضایتمندی و زندگی با عزت

دهی. اگر چنین کنیم در راه درست تربیت گام برداشته ایم. از برخورد مستقیم و دیکته کردن باید خلاص شد.

حضور: در باره حضور آمریکا در منطقه خاور میانه و طرحهایی که برای این منطقه دارد چه تحلیل دارید؟

استاد موازینی: به نظر من آمریکا خوب توانسته است از موقعیتهایی که بعضی از کشورهای منطقه برایش فراهم کرده اند استفاده کند. چه کسی غیر از ما آمریکا را به منطقه راه داده است؟ آمریکا کشوری است که برای ارزشهای معنوی اهمیتی قایل نیست. او فقط در پی سود بردن هر چه بیشتر است. چون کشورهای منطقه از خود بیگانه هستند زمینه های منفعت طلبی امثال آمریکا را در این منطقه فراهم می آورند. آنها نفت و تولیدات ما را به قیمت ارزان می برند و به جایش پیسی و ویسکی و همبرگر را با قیمت کلان به ما می فروشند؛ برای آنها چه چیز از این بهتر؟

شما می دانید که رئیس جمهور آمریکا فقط جنبه فرمایشی دارد و هیچ قدرت و نفوذی در تصمیمات اخذ شده ندارد. کلینتون و بوش بازیچه هایی بیش نیستند و در واقع مرکز قدرت در دست صهیونیسم است، فرزند نامشروعی که آمریکا آن را به دنیای امروز اهدا کرده است. اما

بالاخره جامعه در برهه‌ای از زمان جامعه بشری به سوی انسانیت و ارزشهای انسانی قدم بر خواهد داشت. تاریخ به این امر معترف است. حتی یکی از کارگردانان آمریکای فیلمی در این مورد ساخته است به نام مرگ رئیس جمهور.

حضور: در همین راستا چه نظری درباره گفتگوی تمدنها دارید؟

استاد موازینی: این طرح به نظر من در وضع فعلی نا کارآمد است. چون اصلاً ساز و کارهای مرتبط با آن پیش‌بینی نشده است. چطور ممکن است یک کشور قدرتمند با کشوری که جزء محرومترین ملتهاست با هم بنشینند و در این باره مذاکره کنند. طرفین مذاکره باید در شرایط برابر باشند. فرض کنید شما ایستاده‌اید و یک چاقو در دست دارید و یک تانک به سوی شما می‌آید و قصد شلیک دارد. بهتر است ما اول بین خودمان و ملتهایی مثل خودمان گفتگوها را شروع کنیم.

حضور: تأثیر ارزشهای انقلاب اسلامی در همدلی و وفاق مسلمانان و مستضعفان چیست؟

استاد موازینی: انقلاب اسلامی ایران انقلاب بزرگ و تأثیرگذاری بود. از نظر معنوی و انسانی بازتاب بسیار وسیعی داشت و بازخوردهای حیاتی نیز به دنبال داشته است. اما کاش می‌پرسیدید این انقلاب حتی در جوامع غربی چه تأثیری داشته است که من در این باره می‌گویم اگر پیام این انقلاب آن‌طور که باید منعکس شود تأثیر ژرفی خواهد داشت. انسانها در جوامع غربی در مقابله با مادیات به سوی کلیسا و ایمان کشیده شده‌اند، علیرغم اینکه مشکلات دیگری مثل انحطاط فکری، بی‌بند و باری و عدم امنیت در جامعه آنها موج می‌زند. در اینجا است که تأثیر انقلاب اسلامی و معنویات آن می‌تواند در نفس بشر منعکس شود و زندگی انسانها را شیرینتر کند.